

بسم الله الرحمن الرحيم
آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه هشتم

ادامه اصل چهارم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

ما در بحث گذشته مطلب بسیار مهمی را مطرح کردیم و آن این که رفتار دیگران را اجازه دهیم که خودشان توجیه کنند نه این که به قضاوت دیگران توجه کنیم....

گفتیم که هم عقل و هم شریعت مطهر اسلام مطرح می کند که باید مفسر کار و رفتار انسان ها ، خودشان باشند والبته توضیح هم دادیم و همان طور که ما دوست داریم که خودمان مفسر کارمان باشیم همین حق را دیگران هم دارند.

و اگر مردم عذری آوردند ما از آن ها قبول کنیم و در یک فراز بالاتر آن ها فرمودند شما برای کار آن ها عذر بتراشید و اگر امکان داشته باشید توجیهی بیاورید در یک روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند: اَلْتَمَسُوا لِإِخْوَانِكُمُ الْعُذْرَ فِي زَلَّاتِهِمْ وَ هَفَوَاتِ تَقْصِيرَاتِهِمْ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا الْعُذْرَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ فَاعْتَقِدُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْكُمْ لِقُصُورِكُمْ عَنْ مَعْرِفَةِ وُجُوهِ الْعُذْرِ؛ تا می توانید برای کار دیگران عذر تراشی کنید و اگر نمی توانید آن را از قصور خود در عذر تراشی بدانید .

الإمام زین العابدین علیه السلام : إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ وَاعْتَدَرَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْ عُذْرَهُ .؛ اگر مردی از طرف راستت به تو ناسزا گفت و سپس به طرف چپت آمد و عذر خواست، عذرش را بپذیر.

در یک روایتی امام علی علیه السلام می فرمایند: أَعْظَمَ الْوِزْرِ مَنَعُ قَبُولِ الْعُذْرِ؛ بزرگترین گناه منع قبول عذر است.

اقبلوا العذر و ان كان كذبا ؛ عذر را بپذیرید هر چند که دروغ باشد؛ ما فقط اخلاقی هم نگاه نکنیم ؛ اگر انسان این طور فکر کند چقدر آرام می شود...ما خطایی از همسر می بینیم این را پرننگش می کنیم ، یا از دیگری ...با این نگرش ما از خطای دیگران چشم پوشی می کنیم و راحت با دیگران تعامل داریم.با این موارد آیا هیچگاه کسی دچار فشارهای روحی و روانی می شود؟

مجری: این اصول می تواند کمک کند که حتی اگر نخواهیم زندگی معنوی هم داشته باشیم، یک زندگی زیبا و به دور از دغدغه داشته باشیم؛

جواب: امام رضا علیه السلام ، در روایتی می فرمایند: فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ اگر زیباییهایی که در کلام ما هست انسان ها متوجه شوند، دنبال ما خواهند آمد. بر این اساس با این که بسیاری از مسائل تراث ما از اسلام است اما برای انسان است.

امام سجاد علیه السلام با این که از اسلام است اما مطالب ایشان برای انسان است ؛ شما کلمات نهج البلاغه را ببینید آیا نامه به مالک اشتر آیا صرفنامه به یک استاندار مسلمانی است؟ در واقع نامه به یک بودیسم، هندویسم است.

به هر حال انسان می تواند با عملکرد خود در واقع جهنمی را در درون خود ایجاد کند یا اینکه با مراقبت رفتاری و اخلاقی آن را به بهشت تبدیل کند.

مجری: شنیدم که بر روی دیوار یکی از ایستگاه های مترو شهر وین اتریش این جمله پیامبر نقش بسته بود که : خیر الناس انفعهم للناس؛ و این جمله بسیار مورد توجه قرار گرفته بود و چقدر این جمله کاربردی است.

کافر سخی بلند نظر گاه از مومن بخیل جایگاه بالاتری در تراث ما دارد به این دلیل که صرفا بحث کفر و ایمان هم مطرح نیست؛ و یا در آیات متعدد قرآن آمده که ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات یعنی عمل هم مهم است؛ صرف ایمان کافی نیست ، کسی که دلسوز هست و راهنمایی می کند یا مشاوره می دهد و کاری می کند برای دیگران ، از کسی که صرفا ادعای ایمان دارد به مراتب بالاتر است.

از آثار مهم این نوع نگرش این بود که ما از این به بعد ، نمی توانیم نسبت کفر به این راحتی به بسیاری از انسان ها بدهیم. یک بحثی در فقه هست که ملاک کفر چیست؟ فقها می فرمایند کسی که منکر خدا، توحید و نبوت شود و پیامبر اسلام را تکذیب کند. و حتی بحث معاد هم محل بحث است. برخی معتقدند که مثلا در بحث حجاب یک امر ضروری است که عدم رعایت آن موجب کفر است. کسی که نماز را تکذیب میکند در واقع پیامبر خدا را تکذیب کرده است برخی متوجه این نکته نیستند که تکذیب این موارد با این که شاید کسی خود پیامبر را تکذیب نکند اما آگاه نیست که لازمه انکار این موارد در واقع به نوعی انکار پیامبر هم هست و این به نوعی کفر است.

اگر کسی راجع به کسی حرف ناروایی زد میدانید که برخی حرفها ، حد دارد؛ اگر نسبت اعمال شنیع را به کسی بدهد، این حد دارد، اگر این نسبت را داد و گفت که من نمیدانستم که این سخن این لازم را دارد، به عنوان مثال فحشی داد که نسبت ناروا به شخص است و بعد بگوید منظور من این است که فلان شخص آدم درستی نیست؛ آیا باید ایشان را حد زد ، البته اگر آن کار، نوعی جسارت باشد، تعزیر هم داریم.

یک نکته فقهی دیگر، وقتی ما عهده دار تفسیر می شویم، چه بسا ما به تهمت بیفتیم ، یا به دروغ بیفتیم یعنی من که دارم عهده دار تفسیر می شوم در واقع من دارم یک کار حرام انجام میدهم لذا در قیامت می تواند جلو ما را بگیرد و بگوید فلانی منظور من از این حرف ، این نبود، شما این تفسیر را از حرف من داشتی و من منظور م این نبود. یعنی کسی که عهده دار تفسیر کار کسی می شود در واقع لب یک مرز دارد حرکت می کند، که ممکن است به پرتگاه بیفتد و مبتلا به گناه شود ،و این جریانی است که گاه از منظر اخلاق و گاه از منظر فقه و حقوق به آن نگریسته می شود.

مجری: این که فرمودید کسی که ضروری دین را منکر شود ، ما می توانیم او را کافر بدانیم، حال اگر این شخص فقط یک ضروری دین را قبول ندارد ولی نماز و روزه را قبول دارد ما با این شخص چه کار باید بکنیم؟

جواب: معیار تکذیب پیغمبر است، به هر حال بحث را به جاهای مهم رسانیدید و قدری صحبت راجع به ائمه و پیامبران سخت است، اگر بگویید من نبوت و وحی را قبول دارم اما عصمت مطلق پیامبر را قبول ندارم، این که پیامبر خطا و اشتباه نمی کند، و ... چنین شخصی را نمیتوان کافر دانست یعنی مبنا را قبول دارد و در یک سری مسائل تردید دارد البته که نمی توان چنین فردی را کافر دانست.

مجری: آیا چنین اظهار نظری کسی راجع به یکی از آموزه های دین می تواند مطرح کند؟

جواب: خیر، البته کسی ممکن است کسی به دنبال مطالعاتی که داشته به یک سری نتایج برسد چنین شخصی معذور است و ما راه را بسته نمیدانیم ، اما کسی است که اطلاعاتی دارد و از این طرف و آن طرف شنیده است که البته قابل قبول نیست.

یک نکته هم هست و آن این که گاه کسی از یک جایی دلش پر هست و می آید روی مساله دیگر متمرکز میشود و نتیجه گیری می کند ، یا این که در اداره کارش را انجام نداده اند و می آید روی حجاب عقده خود را خالی می کند.

مجری: اگر نکته دیگری هم باقی مانده ، به عنوان نتیجه گیری مطرح فرمایید.

جواب: هر کدام این بحث ها هر کدام یک کتاب است، ولی من سعی می کنم با یک جمع بندی مخاطبین را به اصل بعدی راهنمایی کنم، گر چه ما در اصل چهارم به یک اصل اشاره کردیم ولی در اصل به سه اصل اشاره داشتیم، یکی این بود که اجازه دهیم که خود شخص مفسر کار خود باشد ،

و دیگر این که برای کار او عذری حتی اگر لازم بود، بتراشیم، و اگر پیدانکردیم خودمان را متهم کنیم به قصور، و دیگر این که اگر عذری آورد ما بپذیریم و در رابطه با اصل بعدی بنده تعبیر کردم به عنوان اصل پنجم، حاکمیت قول سدید، درگفتار و نوشتار...